

واکاوی سنت و ساختار تغییرات اجتماعی (با تأکید بر آیه ۱۱ سوره رعد)

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۰

۱. نبی‌الله صدری فر
۲. محمدرضا ضمیری
۳. محمد مولوی
۴. محمدصادق جمشیدی راد

چکیده

هدف از این پژوهش نشان دادن اهمیت، جایگاه و رویکرد متون اسلامی و دیدگاه‌های جامعه‌شناسان نسبت به ساختار و مبانی تغییرات اجتماعی است. سؤالات پژوهش یک) موضوع «سنت تغییر» در تفاسیر قرآن چگونه تبیین شده‌است؟ دو) ساختار تغییرات اجتماعی در متون اسلامی و کلمات جامعه‌شناسان چگونه تحلیل شده‌است؟ تحقیق به روش اکتشافی و رویکرد توصیفی تحلیلی، با ابزار تحلیل محتوا صورت پذیرفته‌است، در پاسخ به سؤال اول بررسی‌ها نشان می‌دهد که گروه اول از مفسران سنت تغییر را «تبدیل جامعه از وضعیت مطلوب به نامطلوب» معنا نموده‌اند. گروه دوم از مفسران سنت تغییر را به «تبدیل جامعه از وضعیت مطلوب به نامطلوب و بالعکس» معنا نموده‌اند. در پاسخ به سؤال دوم در چهار زمینه به بحث پرداخته شده‌است، بحث اول یعنی عوامل تغییرات اجتماعی؛ مطابق آموزه‌های تفسیری، انبیاء الهی عامل اصلی حرکت تاریخ به‌شمار می‌روند. بحث دوم یعنی شرایط تغییرات اجتماعی؛ مطابق آموزه‌های قرآن شروط اساسی تغییر عبارت است از عقیده صحیح، ایمان با عمل. بحث سوم یعنی عناصر تغییرات اجتماعی؛ دو عنصر مردم (به‌عنوان اجزاء تشکیل‌دهنده جامعه) و زمان (مدت لازم برای تغییر)، در تغییرات جوامع باید مورد توجه باشد. بحث چهارم یعنی موانع تغییرات اجتماعی؛ از منظر تعالیم قرآن و جامعه‌شناسان، تغییرات اجتماعی به دلایلی از جمله تقلید، تعصب، عزلت‌گزینی و بی‌تفاوتی اجتماعی با کندی مواجه است.

واژگان کلیدی: سنت، تغییر، اجتماع، عوامل، موانع.

۱. مربی گروه معرف اسلامی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، sadrifar@gmail.com

۲. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

۴. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور

مقدمه و بیان مسئله

تاریخ در جریان و در دل تاریخ، تغییر و دگرگونی در حال انجام است. گذر زمان، تغییر و تحول را برای انسان و جامعه به ارمغان می‌آورد. تغییر و دگرگونی ماهیت پدیده‌های اجتماعی است. نفس دگرگونی اجتماعی پدیده‌ای مستعد تحلیل و بررسی جامعه‌شناختی است (نیک‌گهر، ۱۳۸۷: ۲۳۷). این تغییر و تحولات با دیدگاه‌های متفاوت اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اسلامی مورد تحلیل قرار می‌گیرد، لذا شناخت عوامل دگرگونی‌های اجتماعی، همواره از دغدغه‌های اندیشمندان بزرگ بوده و هریک با رویکردهای متفاوتی به تحلیل وقایع و تغییرات اجتماعی پرداخته‌اند. این بحث در نزد اندیشمندانی همچون ابن‌خلدون به گونه‌ای مطرح می‌شود که با تاریخ‌نگاری رایج عصر خود تفاوت‌های آشکاری داشته و به جای تأکید بر وقایع و نقل اخبار، بر یافتن علت وقوع آن و تأثیرات آن بر حوادث دیگر تأکید می‌شود (جمشیدیها و صبوریان، ۱۳۹۱: ۲۲). در نزد دانشمندان غربی پس از رنسانس دو دیدگاه اقتصاد سرمایه‌داری و دیدگاه جامعه‌نگری در غرب، مباحث دگرگونی تاریخی و اجتماعی را تحت‌تأثیر قرار دادند. اما براساس مبانی قرآنی، دگرگونی تاریخی مبدأ هستی‌شناسانه و وجودشناسانه ویژه خود را دارد. بنابراین نقش عوامل غیبی در تغییرات اجتماعی و تاریخی جایگاهی خاص می‌یابد. از منظر قرآن، پاره‌ای از دگرگونی‌های تاریخی در پیوند با رفتارهای انسان می‌باشد و این رفتارها به نوبه‌خود متأثر از نوع غایت‌نگری، عوامل اجتماعی فرهنگی، جهان‌بینی و اراده انسانی است (جمشیدیها و رضوانی، ۱۳۹۲: ۷).

تغییر به‌عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی ابعاد مختلفی از جمله سیاست، اقتصاد و فرهنگ را دربرمی‌گیرد. روشنگری مفسران در عصر حاضر که به تفسیر آیات قرآن با رویکرد اجتماعی پرداخته، در کنار دانش جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی به‌عنوان دانش‌های نو در محافل علمی و عرضه مفاهیم جامعه‌شناسی به آیات اجتماعی قرآن جهت کشف دیدگاه جامعه‌شناسی منظومه آیات الهی از اهمیت موضوع تحقیق و پژوهش در آیات اجتماعی قرآن حکایت دارد.

مسئله تغییر در اجتماع به‌عنوان یکی از سنن اجتماعی در آیات قرآن کریم، به‌طور مستقیم یا در ضمن آیات، مورد اشاره قرار گرفته و سنت تغییر در بین مفسران اجتماعی از مهمترین سنن الهی در نظام اجتماعی بشر شمرده شده که از آن به «ام السنن» (مادر سنت‌ها) یاد نموده‌اند. در بین این آیات، مهمترین آیه‌ای که به‌طور مستقیم به این سنت پرداخته آیه «...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا

بِقَوْمٍ حَتَّى يُعَيَّرُوا مَا بَانْفُسِهِمْ...» (رعد، ۱۱) می‌باشد. این آیه از آیات کلیدی در تفاسیر اجتماعی است که از ابتدای شکل‌گیری جریان تفسیر اجتماعی مورد توجه بوده‌است (نفیسی، ۱۳۹۳: ۴۴).

هدف و سؤال تحقیق

قانون‌مدار یا قاعده‌مدار بودن عرصه اجتماعی یکی از مسائل بنیادی جامعه‌شناسی است که توجه بسیاری از متفکران کلاسیک، از جمله وبر، دورکیم، مارکس و نیز نظریه‌پردازان معاصر نظیر هابرس و گیدنز و باسکار را به خود مشغول کرده‌است (کچویان و کلانتری: ۱۳۹۰: ۱). این مسئله در سلسله مباحث تاریخی که در قرآن آمده قابل استناد است و پژوهشگران در تلاش‌های خود، به بررسی عوامل دگرگونی اجتماع پرداخته‌اند (جمشیدیها و رضوانی، ۱۳۹۲: ۷-۳۰). با توجه به ترجمه سنت در زبان فارسی به قانون (با اغماض)، هدف این مقاله نشان دادن اهمیت مسئله تغییر و جایگاه تغییرات اجتماعی به‌عنوان سنت الهی در قرآن و متون اسلامی در کنار سخنان جامعه‌شناسان در این زمینه می‌باشد. از طرفی با توجه به گستردگی آیات سنن اجتماعی و اهمیت آیه ۱۱ سوره رعد، تأکید نوشتار بر این آیه می‌باشد.

بنابراین، نوشتار پیش‌رو تلاش دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد: (۱) دیدگاه مفسران اجتماعی درباره «سنت تغییر» در اجتماع چیست؟ (۲) ساختار تغییرات اجتماعی در متون اسلامی و کلمات جامعه‌شناسان چگونه تبیین شده‌است؟

پیشینه پژوهش

مسئله تغییرات جوامع از مسائل عمده جامعه‌شناسی و فلسفه تاریخ می‌باشد که دانشمندان هر یک از این علوم با روش‌های تحقیق خاص خود به بررسی علل و عوامل تغییرات جوامع می‌پردازند. دانش‌پژوهان حوزه تفسیر نیز از زوایای مختلف، به تحلیل نظریه سنت تغییر و تغییرات اجتماعی پرداخته‌اند از جمله:

۱. در مقاله «تحلیل آرای مفسران در تفسیر آیه «...إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُعَيَّرُوا مَا بَانْفُسِهِمْ...» براساس مفهوم میثاق اجتماعی در ادوار تاریخی» نوشته احمد بادکوبه هزاوه و یونس دهقانی فارسانی در مجله مقالات و بررسی‌ها تلاش شده اثبات نماید مفسرانی که به مباحث اجتماعی علاقه‌مند بوده‌اند، در تفاسیر خویش تحت‌تأثیر میثاق‌های اجتماعی رایج در

عصر خود بوده، لذا تفسیر مفسر از یک آیه گاه هم‌راستا با گفتمان حاکم و متفاوت از دیدگاه‌های رایج گذشته می‌باشد.

۲. مقاله «سنت الهی در تغییرات اجتماعی از دیدگاه مفسران شیعه» سید رضا مؤدب، امان‌الله فصیحی در فصلنامه شیعه‌شناسی به عوامل تغییرات اجتماعی در سه شاخه شناختی، روانی و رفتاری پرداخته‌است. سپس بحث کارگزاران تغییر یعنی نخبگان و گروه‌های حاشیه‌ای مورد بحث قرار گرفته‌است و به دنبال آن به موانع تغییرات اجتماعی در سه حوزه فرهنگی، اجتماعی و روانی پرداخته و در نهایت، هدف تغییرات اجتماعی را به بحث گذاشته‌است.

۳. مقاله «نظریه تغییر و تأثیر آن در زمینه‌سازی ظهور» نوشته محمد تقی سبحانی نیا در مجله مشرق موعود، ضمن طرح نظریه‌ای با عنوان نظریه تغییر از ظهور منجی به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین تغییر یاد نموده سپس بیان نموده که تغییر در امت‌ها به دست خداوند است اما مقدمات آن به دست بشر می‌باشد.

با توجه به اینکه هر یک از این تحقیقات مسئله تغییر را از نگاهی خاص مورد بررسی قرار داده‌اند، آنچه به نظر نگارنده در این تحقیقات مغفول مانده و این پژوهش تلاش خود را معطوف به آن نموده است ارائه تعریف دقیق از سنت تغییر با استخراج و استنتاج از دیدگاه مفسران اجتماعی می‌باشد، لذا در این تحقیق تلاش بر این است که با تحلیل محتوا به تعاریفی که از سنت تغییر در اندیشه مفسران اجتماعی ظهور می‌نماید دست یابد، و از طرف دیگر، به ساختار بحث تغییرات اجتماعی یعنی مسائلی از قبیل عوامل تغییرات اجتماعی، شروط تغییر و موانع تغییرات اجتماعی پردازد.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، تلاش بر این است که ابتدا با روش توصیفی دیدگاه مفسران اجتماعی در حوزه سنت تغییر با توجه به تفسیر آیات قرآن استخراج شود و تفاوت دیدگاه آنها با یکدیگر تبیین گردد و سپس به مباحثی که در ذیل بحث تغییر مطرح است پرداخته شود. در واقع روش پژوهش حاضر از نوع اکتشافی و توصیفی می‌باشد که با استفاده از روش اکتشافی و رویکرد توصیفی تحلیلی، با ابزار تحلیل محتوا به تبیین دیدگاه مفسران اجتماعی می‌پردازد. لذا، از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، دیدگاه‌های مفسران استخراج و تحلیل شده‌است.

مفاهیم تحقیق

سنت: سنت (سنن) در کتب لغت به معنای سیره، راه و روش (پسندیده یا ناپسند) آمده است. اگر این واژه به خداوند نسبت داده شود به معنای «راه و روش استوار» می‌باشد (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵: ۲۱۳۸). دهخدا به معنای راه و روش، طریقه، قانون، آیین اشاره کرده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۹: ۱۲۱۴۶). مطابق نظر علامه طباطبایی کلمه «سنت» به معنای طریقه معمول و رایج است، که به طبع خود غالباً یا دائماً جاری باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۵۱۱).

این واژه از بار معنایی متعددی در حوزه دین، آداب و رسوم اجتماعی و غیر آن برخوردار است. در اصطلاح اندیشمندان دینی، «سنت الهی» قانون‌هایی است که نظام جهان براساس آن اداره می‌شود یا روش‌هایی است که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آنها تدبیر و اداره می‌کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹: ۴۲۵). در علوم اجتماعی به معنای رفتاری است که همواره وجود داشته و در اثر ممارست‌های طولانی ریشه دوانده است (وبر، ۱۳۷۱: ۹۹).

تغییر: تغییر مصدر باب تفعیل از ریشه «غیر» می‌باشد. غَيْرَ - تَغْيِيرًا [غیر] الشیء: آن را به شکلی دیگر درآورد، آن را دگرگون و با چیزی دیگر عوض کرد (معلوف، ۱۳۸۲: ۵۶۳). همچنین: «تغییر دگرگونی شی، برخلاف آنچه بوده است به گونه‌ای که اگر مشاهده شود، برخلاف آنچه بوده، دیده شود.» (طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۱۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۸۴۷). تَغْيِيرٌ بر دو وجه است اول: تغییر صورت چیزی بدون تغییر ذات آن. دوم: تغییر در معنا یعنی تبدیل به غیر آن (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۷۲۷).

یافته‌های پژوهش

در پاسخ به سؤالات مطروحه، یافته‌های پژوهش در دو قلمرو پیگیری می‌شود. قلمرو اول دیدگاه‌ها در خصوص تفسیر آیه ۱۱ سوره رعد و تحلیل محتوا براساس کلمات مفسران و در نهایت پاسخ به این پرسش که سنت تغییر براساس محتوای کلمات مفسران چه تعاریفی دارد. در قلمرو دوم، با توجه به دریافت تعاریف سنت تغییر از نگاه مفسران به بررسی ساختار تغییرات اجتماعی می‌پردازیم.

الف) قلمرو اول: دیدگاه‌های مفسران ذیل آیه ۱۱ سوره رعد

موضوع تغییر در آیه «...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» چیست؟

۱. دیدگاه اول

از نظر علامه طباطبایی، «ما» اول در آیه «...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» ناظر به نعمت‌ها و موهبت‌هایی است که خداوند به بندگان عطا نموده‌است. در دیدگاه ایشان، ایمان و عمل صالح موجب سرازیر شدن نعمت‌های دنیا و آخرت به بندگان می‌باشد و تا زمانی که این وضعیت در بندگان تداوم داشته باشد، نعمت از ناحیه خداوند تداوم خواهد داشت، اما اگر بندگان وضعیت خود را تغییر دهند، خداوند هم نعمت را به نعمت تبدیل می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۴۲۳). این دیدگاه مورد قبول مفسران دیگری می‌باشد (طوسی، (بی‌تا)، ج ۶: ۲۲۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۴۳۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۱۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۱۸۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۸۴؛ ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳۳۸؛ رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۳۸).

درباره علت قطع این نعمت‌ها که در آیه با تعبیر «مَا بِأَنْفُسِهِمْ» از آن یاد شده مفسران عموماً آن را معصیت و کفران نعمت، و امثال این موارد شمرده‌اند (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۲۱۹؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۴: ۱۰؛ طوسی، (بی‌تا)، ج ۶: ۲۲۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۱۸۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۴۳۲؛ رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۳۳).

بنابراین آنچه از سنت تغییر می‌توان از کلمات این دسته از مفسران استنتاج نمود عبارت است از «تبدیل وضعیت جامعه از مطلوب به نامطلوب». بدین‌بیان که اگر جامعه اسلامی که در نعمات الهی قرار دارد و از وضعیت مطلوب برخوردار است، به‌جای شکرگزاری از نعمات حق تعالی راه کفر و ناسپاسی پیش گیرد آنگاه خداوند برای این جامعه سنت تغییر را جاری می‌سازد یعنی نعمت‌ها را از آنها سلب می‌نماید و در نتیجه جامعه به وضعیت نامطلوب دچار می‌شود.

۲. دیدگاه دوم

در این دیدگاه، مفسران «ما» در «مَا بِقَوْمٍ» را به‌معنای از بندگی خدا به گناه و معصیت و عکس آن یعنی از معصیت به بندگی خدا تفسیر نموده‌اند (سبزواری، ۱۴۰۶، ج ۴: ۱۱۲). همچنین تفسیر «ما» در «مَا بِأَنْفُسِهِمْ» را کلماتی از قبیل «خیر و شر»، «کارهای نیک یا اخلاق فاسد» معنا نموده‌اند (صادقی‌تهرانی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۵۰؛ بقاعی، ۱۴۲۷، ج ۴: ۱۳۱؛ دره، ۱۴۳۰، ج ۴: ۶۹۳؛ دروزه، ۱۴۲۱، ج ۵: ۵۲۵). این گروه مفسران مفهوم بخش اول و دوم آیه را عکس یکدیگر معنا نموده‌اند. بدین بیان که اگر بخش اول آیه را به «نعمت» و آنچه مطلوب انسان و جامعه است معنا نموده‌اند، بخش دوم آیه را به آنچه باعث از دست‌رفتن نعمت از انسان و جامعه می‌شود- مانند

معصیت- معنا نموده‌اند. اگر بخش اول آیه را به «نقمت» و وضعیت نامطلوب برای انسان و جامعه معنا نموده‌اند، بخش دوم به آنچه سبب بازگشت به نعمت می‌شود - مانند: بازگشت به خدا، شکر و آنچه مطلوب است- گرفته‌اند. حاصل اینکه، سنت تغییر را در دیدگاه این گروه از مفسران می‌توان «تبدیل وضعیت جامعه از مطلوب به نامطلوب و بالعکس آن یعنی از نامطلوب به مطلوب» تعریف نمود. سید قطب را که از گروه دوم این مفسران می‌توان برشمرد در تفسیر آیه آورده‌اند: «به‌درستی که خداوند نعمتی و ثروتی یا ناداری و نعمتی را تغییر نمی‌دهد، و عزت یا ذلتی را دگرگون نمی‌نماید و مکانت و منزلتی یا توهین و تحقیری را دگرگون نمی‌سازد. مگر زمانی که مردمان احساسات و درک و فهم و اعمال و افعال و واقعیت زندگانی‌شان را تغییر دهند.» (قطب، ۱۴۲۵، ج ۴: ۲۰۴۹). مغنیه آورده‌اند: «خداوند انسان را در سختی و خواری باقی می‌گذارد، مادام که وی در جمود و رکود خویش بماند و برای رهایی از آن، در برابر باطل برنخیزد و حرکتی از خود نشان ندهد» (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۴: ۶۰۳).

از دقت در کلام این دسته از مفسران برمی‌آید که رقم زدن آینده جامعه در دست ماست، به همت امروزی ما بستگی دارد. همان‌گونه که وضعیت فعلی که جامعه اسلامی در آن قرار دارد محصول عملکرد گذشته آن می‌باشد.

تفاوت‌های دو دیدگاه

۱. مستند دیدگاه علامه و گروه اول از مفسران آیه ۵۳ سوره انفال می‌باشد.^۱ در این آیه «تغییر نعمت» به «نقمت» مطرح شده‌است. این مسئله در واقع به روش تفسیری علامه طباطبایی (قرآن به قرآن)^۲ برمی‌گردد، برخلاف دیدگاه گروه دوم از مفسران.
۲. مراد از سنت تغییر در کلام علامه طباطبایی و گروه اول از مفسران آن است که خداوند نعمت‌ها را از انسان و جامعه سلب نمی‌نماید، مادامی که جامعه براساس فطرت الهی حرکت نماید. اگر جامعه از یکتاپرستی به شرک و گناه و عصیان روی آورد، آنگاه خداوند نعمت‌ها از جامعه سلب می‌نماید و این یعنی «تغییر از وضعیت مطلوب به نامطلوب».

۱. «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انفال، ۵۳)

۲. روش تفسیری قرآن با قرآن از جمله روش‌هایی است که در متون علوم قرآنی از آن فراوان یاد شده‌است. در این شیوه، معانی آیات قرآن به کمک آیات مشابه که موضوع و محتوای آنها یکسان یا حداقل نزدیک به هم است استخراج می‌شود.

تعریف دیگری که از سنت تغییر شده و از کلام مفسرانی مانند: مغنیه، مکارم شیرازی، شهید صدر قابل دریافت است عبارت است از اینکه خداوند اوضاع جامعه را تغییری نمی‌دهد، مگر اینکه خود جامعه در جهت تغییر اوضاع تلاش نماید. به‌طورکلی، وضعیت هر جامعه‌ای ممکن است خوب یا بد باشد، لذا جامعه‌ای که صاحب نعمت باشد، باید آنچه را که باعث از دست رفتن نعمت می‌شود از جامعه دور نمایند. در جامعه‌ای که در رکود و عقب‌ماندگی است باید با اراده خود تصمیم به تغییر وضعیت موجود دهد.

تغییر اوضاع و شئون اجتماعی هر قومی تغییری روبنایی است که از یک تغییر بنیادی سرچشمه گرفته و آن تغییری است که درون خود آن قوم باید به‌وجود آمده باشد. تا زمانی که تغییری در حالت روحی عموم افراد ملت ایجاد نشود، اوضاع خارجی و نهادهای اجتماعی حاکم بر ملت نیز تغییر نمی‌یابد (صدر، ۱۳۸۱: ۱۴۷).

۳. تفاوت دیگری که مبتنی بر تفاوت دوم می‌باشد تلازمی است که در برداشت گروه دوم مفسران قابل دریافت است؛ برخلاف گروه اول که مطابق دیدگاه آنها در آیه تلازمی نمی‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۴۲۴).

مراد از تلازم این است که هرگاه «ما» اول در آیه را به‌طورکلی به نعمت‌ها و وضعیت مطلوب تفسیر نماییم، «ما» دوم در آیه به نعمت و وضعیت نامطلوب معنا نماییم و هرگاه «ما» اول را در آیه به نعمت و وضعیت نامطلوب معنا نماییم، «ما» دوم را به نعمت و وضعیت مطلوب تفسیر نماییم.

بنابراین با توجه به تحلیل محتوای کلام مفسران درباره تغییرات اجتماعی و سنت تغییر، یافته‌های پژوهش که در پاسخ به سؤال اصلی مقاله یعنی ارائه تعریف دقیق سنت تغییر از دیدگاه مفسران، حکایت از آن دارد که دوگونه تعریف از تغییر در دیدگاه آنها می‌توان ارائه داد:

- دیدگاه اول: تغییر عبارت است از نگهداری و حفظ وضعیت موجود و احسن. حال اگر جامعه‌ای در چنین وضعیتی نبود و در وضعیت نامطلوب قرار داشت، مطابق دیدگاه این مفسران آیه ۱۱ سوره رعد در این خصوص سکوت کرده‌است.

- دیدگاه دوم: سنت تغییر عبارت است از حفظ وضعیت مطلوب (در صورت برقرار بودن وضعیت مطلوب در جامعه) و حرکت و تغییرات برای ایجاد وضعیت مطلوب و احسن (در صورت وجود جامعه‌ای نامطلوب).

توضیح اینکه در دیدگاه دوم از مفسران، وضعیت جامعه از دو حال خارج نمی‌باشد:

حالت اول یعنی وضعیت مطلوب: در این حالت، جامعه باید تلاش خود را معطوف به حفظ این وضعیت نماید. در نگاه قرآنی حفظ این وضعیت برای جامعه را می‌توان در شکرگزاری نسبت به انعام الهی و امثال این موارد دانست.

حالت دوم یعنی وضعیت نامطلوب: خروج از این وضعیت و حرکت به سوی جامعه مطلوب و احسن، مستلزم تغییرات باطنی در توده امت می‌باشد و اگر در توده جامعه تغییرات بنیادین رخ ندهد، جامعه در همان وضعیت باقی خواهد ماند.

ب) قلمرو دوم: ساختار تغییر در اجتماع

بعد از روشن شدن تعریف سنت تغییر در دیدگاه مفسران به‌عنوان یکی از مهمترین سنن اجتماعی در ادامه به ساختار^۱ تغییرات در اجتماع می‌پردازیم. از جمله عوامل تغییرات اجتماعی و شرایط تغییرات در جامعه کدام‌اند؟ همچنین عناصر و موانع تغییر در دیدگاه قرآن و مفسران چه مواردی است؟ در ادامه به بررسی این پرسش‌ها می‌پردازیم:

۱. عوامل تغییرات اجتماعی

بحث از عوامل تاریخی در تغییرات اجتماعی، یکی از مباحثی است که در بین پژوهشگران همیشه مطرح بوده‌است؛ در ابتدا، عوامل تغییرات اجتماعی خارج از جهان انسانی و اجتماعی جستجو می‌شد، سپس به عوامل طبیعی در تغییرات اجتماعی توجه شد، لذا تغییرات را محصول جبرهای طبیعی می‌دانستند. در ادامه، عاملیت از حوزه طبیعی به حوزه اجتماعی و انسانی انتقال می‌یابد و در انحصار انسان‌های بزرگ تعریف می‌شود. با بسط و گسترش نقش عواملان کنش-های اجتماعی و شکل‌دهی به حکومت مردم‌سالارانه عاملیت وارد مهم‌ترین مرحله خود می‌شود؛ مرحله‌ای که به همه کنشگران برگزیده و به همه نقش‌های اجتماعی و نه فقط مقامات صاحب قدرت توجه می‌گردد (غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۸۹: ۱۸۳).

علامه طباطبایی در مسئله تغییرات اجتماعی و عاملیت آن بر این نظرند که سیر حرکت جوامع از وحدت به کثرت و از کثرت به وحدت می‌رسد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۰۷؛ ج ۴:

۱. ساختار به ترتیب و چگونگی قرار گرفتن اجزا یا چگونگی ساختمان چیزی؛ مجموعه عناصر تشکیل‌دهنده یک اثر ادبی یا هنری و پیوستگی اجزای آن با یکدیگر تعریف شده‌است (انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱).

(۱۴۵). انسان‌ها برای استخدام یکدیگر تلاش می‌کنند و این‌گونه به یکدیگر پیوند یافته و جامعه ابتدایی را تشکیل می‌دهند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۴۶-۱۴۸). از آنجا که خصیصه استخدام با منفعت‌طلبی شخصی همراه است، موجب پیدایش اختلاف و هرج و مرج می‌شود. امکان رفع این اختلاف فقط از سوی عاملی بیرونی، یعنی نبوت، وجود دارد. انبیاء الهی با شریعت آسمانی موجب اتحاد و وحدت جوامع و رشد و تکامل آنها به سوی سعادت حقیقی می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۹۶؛ ج ۴: ۱۴۷). از این رو، انبیاء الهی را می‌توان عامل اصلی حرکت تاریخ محسوب نمود.

۲. شرایط تغییرات اجتماعی

هیچ سنتی از سنن الهی اجتماعی در خارج واقع نمی‌شود، مگر اینکه بین این سنن رابطه‌ای سببی و مسببی برقرار است. این مسئله در آیات فراوانی از قرآن قابل دریافت می‌باشد.^۱ سنت تغییر هم از این مسئله مستثناء نمی‌باشد. در جامعه باید شرایطی محقق گردد تا تغییر ایجاد شود و بدون فراهم شدن شرایط، تغییر محقق نمی‌شود در ادامه به این شرایط با توجه به آیات الهی می‌پردازیم:

عقیده صحیح: کفر، شرک، نفاق و ظلم همه این موارد از اموری است که انسان و جامعه را از حال نیکو به حال بد و نعمات الهی را به نعمت تبدیل می‌کند. پس شرط اساسی و اولی برای اینکه خداوند متعال بر انسان‌ها و جامعه بسط نعمت نماید، اعتقاد صحیح به خدای متعال می‌باشد. لذا «دانشمندان برای اصلاح یک اجتماع فاسد، نخست باید افکار و اعتقادات نادرست آنها را تغییر دهند، زیرا تا انقلابی در افکار پیدا نشود، نمی‌توان انتظار اصلاحات عمیق در جنبه‌های عملی داشت» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۴۴۷). عقیده و ایمان صحیح وجوه مختلفی دارد برپایی عدل و گسترش عدالت از اسباب بسیار مهم در بقا و دوام نعمت می‌باشد (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۲: ۳۳۱).

۱- نمونه‌های فراوانی از آیات سنن الهی به سبب و مسببیت اعمال انسان‌ها و جامعه اشاره دارد از جمله آیه ۹۶ اعراف که می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.» که به سببیت بین ایمان و تقوی و نزول برکات برای انسان و جامعه از آسمان و زمین اشاره دارد.

ایمان و عمل: اسلام دین ایمان و عمل می‌باشد و نباید شخص یا جمع و جامعه‌ای بگوید ما ایمان آوردیم اما از عمل خالی باشند. در نگاه دینی، نه عمل بدون ایمان پذیرفتنی است و نه ایمان بدون عمل. این دو شرط از شرایط اساسی برای تغییر جامعه می‌باشد. این مسئله در آیات مختلفی از قرآن مطرح شده است (حجرات، ۱۴؛ عصر، ۱-۳). به علاوه اینکه با توجه به آیات قرآن^۱، «عمل» نقش به‌سزایی در سرنوشت انسان و جامعه ایفا می‌کند. انسان آزاد و مختار آفریده شده و با اعمال اختیاری خود قادر به رقم‌زدن سرنوشت خویش می‌باشد و این توانایی را دارد تا سعادت و شقاوت خود را با عمل خویش تعیین سازد.

بنابراین، عقیده و ایمان صحیح اصل بنیادین می‌باشد و به دنبال آن ایمان و عمل. ایمان و عمل موارد بی‌شماری را در برمی‌گیرد و در قرآن برخی از عوامل علی شکوفایی و انحطاط ملت‌ها را می‌شمارد که در برگیرنده طیف وسیعی از مفاهیم ارزشی و اخلاقی هستند و با رعایت آنها تعادل و توازن در جامعه انسانی به‌خوبی برقرار میگردد. در صورت عدم رعایت این اصول انسانی، جوامع با انحطاط تفکر، اندیشه، فرهنگ و تمدن روبه‌رو خواهند بود؛ زیرا قانونمندی تاریخ ریشه در حقایق و واقعیت‌های تکوینی دارد. بنابراین همه افراد بشر در آن مشترک هستند و از مبنای نظام ارزشی مشترکی تغذیه می‌کنند که همه انسان‌ها را به سعادت و کمال واقعی راهنمایی می‌کند. براین اساس، هر گروه، جامعه و ملتی که از قانون و سنت‌های الهی پیروی کنند، آینده تاریخ را ترسیم خواهند کرد (جمشیدیه‌ها و رضوانی، ۱۳۹۲: ۲۴).

۳. عناصر تغییرات اجتماعی

مراد از عنصر تغییر در اینجا آن دسته از مؤلفه‌هایی است که بدون وجود آنها مسئله تغییر جایگاهی پیدا نمی‌کند این عناصر عبارت‌اند از مردم و زمان.

مردم: با توجه به اینکه هیچ جامعه‌ای بدون مردم شکل نمی‌گیرد (جمشیدیه‌ها و کافی، ۱۳۹۲: ۱۰۰)، لذا مردم محور جامعه بوده^۲ و تحقق و تعالی جامعه در گرو وجود مردم است، از آنجاکه قرآن به‌طور مکرر خطابش به مردم است^۳، معلوم می‌شود که یکی از مبانی و شالوده‌های

۱. آیات نجم، ۳۹-۴۱؛ طه، ۱۵؛ زلزله، ۷-۸؛ انعام، ۱۳۲؛ مدثر، ۳۸؛ نحل، ۹۳؛ کهف، ۷؛ ملک، ۴۷.
 ۲. مردم در جامعه نقش بسیار بالایی دارد و به‌خاطر همین امروزه در دانشگاه‌های دنیا رشته مردم‌شناسی یکی از گرایش‌های رشته علوم اجتماعی ایجاد شده که به مطالعه فرهنگ جوامع گوناگون در زمان‌ها و مکان‌های مختلف می‌پردازد.
 ۳. خطاب یایها الناس در قرآن ۲۰ بار تکرار شده (بقره، ۲۱ و ۱۶۸؛ نساء، ۱ و ۱۷۰ و ۱۷۴؛ اعراف، ۱۵۸؛ یونس، ۲۳، ۵۷، ۱۰۴ و ۱۰۸؛ حج، ۱، ۵، ۴۹ و ۷۳؛ نمل، ۱۶؛ لقمان، ۳۳؛ فاطر، ۳، ۵ و ۱۵؛ حجرات، ۱۳).

اساسی جامعه را مردم تشکیل می‌دهد. مسیر و چگونگی حرکت تاریخ را مردم براساس سنت‌های موجود در جامعه و در انسان تعیین می‌کنند و هرگونه تغییری معلول اراده، امیال، خوی، رفتار و اعمال مردم می‌باشد که طبق سنن معین و تغییرناپذیر، هریک از آنها انعکاس و اثر قطعی و مسلم در اجتماع و تاریخ دارد (همان). بنابراین باید انسان‌ها به‌عنوان عناصر تشکیل‌دهنده جامعه تربیت، تعلیم و تزکیه را سرلوحه امور خود قرار دهد زیرا با رعایت این امور است که می‌تواند جامعه به سمت کمال، ترقی، تعالی و سعادت حرکت نماید.

زمان: یکی دیگر از عناصر لازم برای ایجاد تغییر در جامعه، زمان است. زمان مهمترین مؤلفه در نظریه اجتماعی است زیرا رخداد حوادث در زمان، ویژگی اجتناب‌ناپذیر تمام اشکال اجتماعی است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۰۵). هیچ تغییری در سطح کلان اجتماعی صورت نمی‌گیرد، مگر اینکه با زمان همراه باشد. حرکت انبیاء در طول تاریخ و همچنین سیره و روش رسول اکرم (ص) نشان‌دهنده این است که برای تغییر در جامعه باید از عنصر زمان کمک گرفت. با مطالعه در تاریخ اسلام و شریعت اسلامی مشاهده می‌کنیم که بسیاری از تغییرات فرهنگی و اجتماعی در اسلام با زمان حل و فصل شده‌است. نمونه‌های فراوانی در دستورات دینی صدر اسلام مشاهده می‌کنیم، از جمله قرآن برای پایان دادن به یک رسم و عادت ناپسند اجتماعی که درعین حال به شدت راسخ و رایج بود، زمینه ترک و لغو آن را به تدریج فراهم آورده‌است. برای مثال قرآن برای از میان بردن شرب خمر در مرحله اول، نظر اعراب جاهلی را به موضوع خمر و منشأ آن جلب می‌کند (نحل، ۶۹) و سپس با لحنی آرام و مؤثر، آنان را به اندیشیدن صحیح و تفکری سنجیده رهنمون می‌کند و با بیان منافع و مضار شراب و قمار، زیان آن دو را بیشتر از منافع آن می‌داند (بقره، ۲۱۹). آنگاه در مرحله سوم، برای دور نگهداشتن مردم از این آلودگی محدودیت‌های زمانی در شرب خمر به وجود می‌آورد (نساء، ۴۳). در مرحله چهارم، پس از اینکه قرآن خود را به هدف نزدیک می‌بیند، آخرین گام را برمی‌دارد و با لحن قاطع و خالی از هرگونه مجامله، به تحریم و منع این سنت می‌پردازد (مائده، ۹۰-۹۱).

۴. موانع تغییرات اجتماعی

با مطالعه در آیات قرآنی مشاهده می‌کنیم که همواره تغییرات در جامعه با مخالفت‌هایی همراه بوده‌است. در ادامه به مهمترین عواملی که در هر دوره‌ای از دوران‌ها از جمله عصر حاضر ممکن است وجود داشته باشد می‌پردازیم:

تقلید و تعصب: تقلید و تعصب از جمله مفاهیم و اصطلاحاتی است که در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی کاربرد فراوانی دارد به‌ویژه در جوامعی که دارای تنوع دینی، نژادی، جنسی و قومی می‌باشند.

تقلید قبول و پذیرش گفتار و روش شخص دیگر بدون دلیل است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۶۴۹). تقلید منعکس ساختن چیزی از برون ذات در درون ذات و پذیرش آن، شامل همه‌گونه پدیده‌های قابل انعکاس می‌باشد. چه از جنس گفتار باشد، یا از جنس عقیده، یا اندیشه، حتی اخلاق و کردار عینی، همه این امور قابل تقلید می‌باشند (جعفری، ۱۳۷۶: ج ۷: ۱۴).

تعصب وابستگی غیرمنطقی به شخص یا عقیده یا عادت و رسم خاصی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۱۹). نیز تعصب به عقاید یا نگرش‌های یک گروه درباره گروه دیگر اطلاق می‌شود. تعصب متضمن داشتن عقاید از پیش تصور شده درباره فرد یا گروه است که حتی به‌رغم اطلاعات جدید در برابر تغییر مقاوم است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۶۴ - ۲۶۳).

یکی از موانع تغییرات اجتماعی در هر عصری تقلید و تعصب نسبت به داشته‌های موجود می‌باشد، این یک پدیده مستمر و فراگیر در تاریخ بشری است که اساسی‌ترین نقش را در رکود تاریخ به‌عهده داشته‌است (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۱۶: ۲۲۷). اگر امروز وضع فرهنگ‌ها و عقائد اقتصادی و حقوقی جوامع را مورد مطالعه و تحقیق قرار بدهیم، خواهیم دید که اغلب این فرهنگ‌ها و عقائد تقلید از گذشتگان مخصوصاً تقلید از شخصیت‌هایی چشمگیر است به این عنوان که آنان صاحب‌نظران و بانیان این فرهنگ‌ها و عقائد می‌باشند (همان). تقلید از گذشتگان و تبعیت از عقائد و رسوم و فرهنگ آنان عقل و اندیشه را از کار می‌اندازد (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۱۲: ۳۱۶). در سخنی منسوب به ابوریحان بیرونی است که تعصب چشم‌های بینا را نابینا و گوش‌های شنوا را ناشنوا می‌کند. این مطلب در آیات مختلفی مطرح شده^۱ و قرآن کریم کفار و

۱. از جمله آیه «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَ لَا يَهْتَدُونَ» (بقره، ۱۷۰) و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده‌است پیروی کنید» می‌گویند: «نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم.» آیا هرچند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند [باز هم در خور پیروی هستند]؟» و آیه «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ» (لقمان، ۲۱) و چون به آنان گفته شود: «آنچه را که خدا نازل کرده پیروی کنید»، می‌گویند: «[نه!] بلکه آنچه که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم» آیا هرچند شیطان آنان را به سوی عذاب سوزان فرا خواند؟

مشرکین را به خاطر تقلید و تعصب نسبت به گذشتگان مورد نکوهش قرار داده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۵۷۶). هرگاه انبیا با معجزات و روشننگری‌هایشان درصدد تغییرات عقیدتی و اجتماعی برمی‌آمدند، عده‌ای به خاطر آنچه از گذشته به ایشان به ارث رسیده بود بر آن تعصب می‌ورزیدند و مخالفت خود را اعلام می‌داشتند. زیرا میان آنچه این انسان‌ها به عنوان ارزش‌های جامعه پذیرفته بودند با آنچه که در آن دگرگونی بود و انبیاء خواستار آن بودند تعارض می‌دیدند، درحالی‌که، مجرد رسوخ و استحکام یک فرهنگ در یک قوم دلیلی بر اصالت و تطابق آن با حقیقت و واقعیت نمی‌باشد. درست است که وقتی که یک فرهنگ در اعماق سطوح روانی مردم نفوذ و رسوب کرد، آن فرهنگ به شکل عینکی درمی‌آید که پیروان آن با آن عینک به انسان و جهان و واقعیات آن دو می‌نگرند، ولی با توجه به اینکه خیلی از فرهنگ‌های گذشته و کنونی در موقع تحلیل به مقداری زیربناهای بی‌اساس منتهی می‌شوند می‌توان گفت: بشر برای هرگام مثبتی که در مسیر تصعید حیات تکاملی بردارد، مجبور است فرهنگ حاکم بر جامعه خود را مورد تحلیل قرار بدهد و عناصر رسوبی بی‌دلیل آنها را بیرون بیندازد و نگذارد آن عناصر سدّ راه گامی که برمی‌دارد بوده باشد. اما چه باید کرد که تقلید حتی گاهی در مغزهای بزرگ و مقتدر، چنان نفوذ دارد که احتمال نمی‌رود به این زودی‌ها و به این آسانی‌ها دست از گریبان اولاد آدم بردارد و آنها را به دست عقل و اندیشه بسپارد (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۱۲: ۳۱۸).

در روایات دینی هم از تعصب باطل نهی شده است. تا آنجا که این عمل را موجب گشوده شدن رشته ایمان از انسان دانسته است (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۰: ۲۸۳).

بی‌تفاوتی و عزلت اجتماعی: یکی دیگر از عوامل عدم تغییرات اجتماعی را می‌توان در

عزلت اجتماعی یا بی‌تفاوتی اجتماعی جستجو نمود،^۱ در اینکه آیا عزلت اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی مترادف می‌باشد اختلاف نظر است.^۲ در اینجا آن دو را مترادف در نظر می‌گیریم. هر

۱. تحقیقات میدانی مختلفی درخصوص بی‌تفاوتی اجتماعی در حوزه‌های مختلف انجام شده است؛ از جمله پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (موردپژوهش: شهروندان تهرانی، محسنی تبریزی علیرضا، صداقتی فرد مجتبی).

۲. در فرهنگ علوم سیاسی بی‌تفاوتی اجتماعی به دوری و امتناع اجتماع از اتخاذ موضعی مشخص و دوری از مداخله و مشارکت در امور سیاسی معنا شده است. (رک به آفا بخشی و افشاری، ۱۳۷۹: ۲۷) در تعریف جامعه‌شناختی مفهوم بی‌تفاوتی اجتماعی برخی نویسندگان از مفاهیم مقابل آن مانند مشارکت اجتماعی و درگیری استفاده کرده‌اند، از این رو بی‌تفاوتی با عزلت گزیدن و فقدان مشارکت در حد انتظار، هم‌معنی قرار گرفته است. برخی دیگر نیز نوع دوستی را در مقابل بی‌تفاوتی قرار داده‌اند، محققانی دیگر، بی‌تفاوتی اجتماعی را مترادف با

جامعه‌ای که از سایر جوامع خود را کنار نهد و از تعامل با آنها خودداری نماید به همان نسبت هم از تغییرات دور خواهد بود.

امروزه در سراسر دنیا، قبایل و جوامعی مشاهده می‌شوند که به همان سنت دیرینه خود مشغول زندگی هستند و این به‌خاطر عزلت‌گزینی این جوامع می‌باشد.^۱ لذا جامعه‌ای که از دیگر جوامع منزوی گشته باشد، عناصر فرهنگی نو و مسائل جدید اجتماعی در آن جامعه مطرح نخواهند شد.

در مقابل عزلت اجتماعی، می‌توان از مشارکت اجتماعی یاد نمود که به انواع و اقسامی تقسیم می‌شود ولی آنچه در بحث تغییر در اجتماع مهمتر می‌باشد مشارکت اجتماعی برای توسعه است، بدین معنا که افراد برای توسعه ملی فراخوانده می‌شوند (جمشیدیها و همکاران، ۱۳۹۳: ۸).

با درنگ در ساختار دین مبین اسلام و تأمل در آیات قرآن به وضوح این نکته قابل دریافت است که دین مبین اسلام دین انزوا و عزلت‌گزینی یا بی‌تفاوتی نسبت با جامعه نمی‌باشد. آیات و روایات فراوانی وجود دارد که همگی بر تعامل جوامع با هم تأکید دارد.^۲ روح اسلام جمع‌گرایی و نفی رهبانیت و عزلت‌گزینی است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۳: ۳۱۰). مطابق آموزهای تفسیری علامه طباطبایی مردم جامعه باید در مدیریت شهری و جامعه خویش نقش خود را ایفا نمایند به طوری که اگر بخواهند خود را کنار بکشند، وظیفه دینی و شرعی خود را انجام نداده‌اند (پیر بابایی و رحمانی، ۱۳۹۵: ۳۱۱).

در میان پیروان ادیان و مذاهب الهی، به‌ویژه مسیحیان، بعضی برای عبادت خدا و کسب

عزلت‌گزینی، بی‌علاقگی و عدم مشارکت افراد در اشکال متعارف اجتماعی معنا کرده و در تحلیل خود آن را مقابل علاقه اجتماعی درگیری در فعالیت‌های اجتماعی، روان‌شناختی و سیاسی قرار داده‌اند (رک به محسنی تبریزی و صداقتی فرد، ۱۳۹۰: ۳).

۱- تذکر: در کشورمان ایران در حال حاضر روستایی وجود دارد به نام ایستا؛ روستای ایستا که روستای توقف و روستای بدون تمدن نیز نامیده می‌شود، این روستا واقع در شهرستان طالقان شاید مرموزترین روستای ایران باشد، روستایی در خاک البرز که مردمانش در زمان متوقف شده‌اند.

۲. این نکته قابل ذکر است که مشارکت اجتماعی به‌عنوان مقوله محوری در جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر به تدریج فروکش کرد. در ابتدا، افراد و گروه‌هایی از عرصه سیاسی و دخالت در آن کنار رفته و اعتزال گزیدند. با به دست گرفتن قدرت توسط امویان، انفعال اجتماعی به سطح وسیعی از جامعه سرایت کرد به گونه‌ای که بزرگترین جنایات در این دوره اتفاق افتاد، اما جامعه در مقابل آن واکنشی نشان نداد (رک به تقوی، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

خشنودی او روش گوشه‌نشینی و عزلت را پیش می‌گرفتند و هرگونه روابط اجتماعی را ترک می‌کردند.

این شیوه زهدمنشانه پس از ظهور اسلام، در میان مسلمانان رخنه کرد و برخی از آنها برای تحصیل رضای خداوند و عبودیت و بندگی او چنین شیوه‌ای را پیش گرفتند؛ ولی قرآن کریم با نفی هرگونه گوشه‌نشینی و ترک روابط اجتماعی، این خصلت را ویژه پیروان حضرت عیسی مسیح (علیه‌السلام) می‌داند. آنان رهبانیت را ابداع کردند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۱۷).

این مسئله هم برای جامعه به عنوان یک اصل حیاتی است و باعث رشد و کمال جامعه می‌شود و هم برای تک‌تک افراد. بستر بروز فضایل و رذایل اخلاقی همانا جامعه انسانی است؛ با عزلت و گوشه‌نشینی عواملی وجود ندارند تا این‌گونه از استعدادهای انسانی ظاهر گردند، پس انسان برای ظهور قوای خویش به معاشرت با دیگران نیازمند است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶۶).

بنابراین به‌طور خلاصه، یافته‌های پژوهش در پاسخ دیگر سؤالات مطروحه بدین قرار است که نظریه تغییر مبتنی بر چند اصل است: اولاً علت تامه تحقق هر تغییری در جهان خارج، اراده خداوند است که بدون آن هیچ تغییر و تحولی محقق نخواهد شد و بعد از آن، نوبت به انبیاء الهی می‌رسد، انبیا (ع) در طول تاریخ، یکی از کارگزاران تغییر درصدد تغییرات بنیادین در جوامع بوده‌اند. ثانیاً برای اینکه اراده خداوند به تغییرات و تحولات تعلق گیرد، باید دو مقدمه از طرف انسان جامعه عمل بپوشد. یکی از جنس ایمان و اعتقاد است و دیگری رفتار متناسب با تغییر مورد انتظار. لذا مطابق آموزه‌های قرآن، شروط اساسی تغییر، عقیده صحیح، ایمان و عمل می‌باشد. البته دو عنصر مردم (به‌عنوان اجزا تشکیل‌دهنده جامعه) و زمان (مدت لازم برای تغییر) باید مورد توجه باشد. سوم اینکه، در تغییرات اجتماعی، تغییر اکثریت افراد اجتماع، زمینه‌ساز خواهد بود و براین اساس از منظر آموزه‌های قرآن و جامعه‌شناسان، تغییرات اجتماعی به دلایلی از جمله تقلید، تعصب و عزلت‌گزینی با کندی مواجه می‌شود (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۳-۳۰).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

۱. «سنت تغییر» با توجه به رویکردهای متفاوتی که در تفسیر آیه ۱۱ سوره رعد وجود داشت دوگونه قابل برداشت است:

اول: استمرار نعمت بر جامعه، تا زمانی خواهد بود که از جامعه کفر و عصیان سر نزنده باشد و در صورت ارتکاب کفر و عصیان نعمت از جامعه سلب خواهد شد.

- دوم: اگر جامعه‌ای دچار عصیان شده و نعمت‌ها از جامعه سلب شود، چنین جامعه‌ای در این حالت باقی خواهند بود تا آنگاه که دوباره به سمت توحید، یکتاپرستی و شکر نعمت‌های الهی تغییر وضعیت دهد که در این صورت نعمت‌های الهی دوباره برقرار خواهد شد.
۲. مطابق آموزه‌های قرآنی شرایط تحقق تغییرات بنیادین در جامعه عبارت است از عقیده صحیح و ایمان توأم با عمل. همچنین از مهمترین موانع تغییرات اجتماعی به تقلید، تعصب و عزلت‌گزینی اجتماعی پرداخته شد. البته موانع تغییرات اجتماعی دایره وسیعی از جمله موانع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و غیره دربرمی‌گیرد.
۳. پیشنهاد می‌گردد آیات سنن اجتماعی به‌طور جداگانه تحلیل و بررسی و قوانین جامعه‌شناسی قرآن استخراج گردد، همان‌گونه که در دانش اصول فقه چنین اتفاقی رخ داده است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن عربی، محمدبن علی (۱۴۲۲)، تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)، دار إحياء التراث العربی، لبنان: بیروت، چاپ اول.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- آقا بخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار.
- بادکوبه هزاوه، احمد و دهقانی فارسانی، یونس (۱۳۷۸)، «تحلیل آرای مفسران در تفسیر آیه إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» براساس مفهوم میثاق اجتماعی در ادوار تاریخی»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، مشهد، دانشگاه فردوسی، شماره ۱۰: ۵-۱۸.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷)، نظم الدررفی تناسب الآیات و السور، محقق مهدی عبدالرزاق غالب، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، لبنان: بیروت، چاپ سوم.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، دار إحياء التراث العربی، لبنان: بیروت، چاپ اول.
- پیر بابایی، محمدتقی و رحمانی، جواد (۱۳۹۵)، «مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مطابق نگاه علامه طباطبایی»، فصلنامه علمی پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال ششم: ۳۱۱-۳۳۱.
- تقوی، هدیه، (۱۳۹۲)، «بررسی رواج مبانی نظری بی‌تفاوتی اجتماعی در دوره حاکمیت سفینیان»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۰: ۱۱۵-۱۳۰.

- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (مجلدات: ۱، ۱۲، ۱۶)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جمشیدیها، غلامرضا و رضوانی، روح‌الله (۱۳۹۲)، «علل و عوامل دگرگونی تاریخی و اجتماعی از منظر قرآن»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال چهاردهم، شماره دوم: ۷-۳۰.
- جمشیدیها، غلامرضا و صبوریان، محسن (۱۳۹۱)، «سرشت تبیین تاریخی در اندیشه ابن خلدون»، دوفصلنامه تاریخ نگری و تاریخ‌نگاری، دانشگاه الزهراء، شماره نهم: ۲۱-۴۴.
- جمشیدیها، غلامرضا، کافی، مجید (۱۳۹۲)، «مؤلفه‌های نظریه اجتماعی براساس مبانی شناخت جامعه در قرآن»، آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره هفدهم: ۹۵-۱۱۸.
- جمشیدیها، غلامرضا؛ پروایی هره دشت، شیوا؛ پیری، صدیقه؛ ادیب حاج‌باقری، ثریا (۱۳۹۳)، «بررسی نقش احساس تعلق محله‌ای در افزایش مشارکت اجتماعی»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال چهارم، شماره ۱۲: ۱-۲۴.
- جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۹)، جامعه در قرآن، محقق: مصطفی خلیلی، چاپ پنجم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، توحید در قرآن، قم: اسراء، چاپ اول.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق أحمد عبدالغفور عطار، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).
- دروزه، محمد عزه (۱۴۲۱)، التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول، دار الغرب الاسلامی، لبنان: بیروت، چاپ دوم.
- دره، محمدعلی طه (۱۴۳۰)، تفسیر القرآن الکریم و اعرابه و بیانه، دارابن‌کثیر، لبنان: بیروت، چاپ اول.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۹)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، ترجمه خسروی حسینی، غلامرضا، مرتضوی، ایران: تهران، چاپ اول.
- رشیدرضا، محمد (۱۴۱۴)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، دار المعرفه، لبنان: بیروت، چاپ اول.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، دار الکتب العربی، لبنان: بیروت، چاپ سوم.
- سبحانی‌نیا، محمدتقی (۱۳۸۸)، «نظریه تغییر و تأثیر آن در زمینه‌سازی ظهور»، مشرق موعود، سال سوم، شماره ۱۱: ۱۳-۳۰.

- سبزواری، محمد (۱۴۰۶)، ارشادالاذهان الی تفسیر القرآن، دار التعارف للمطبوعات، لبنان: بیروت، چاپ اول.
- سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶)، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، دار الفکر، لبنان: بیروت، چاپ اول.
- شوکانی، محمد (۱۴۱۴)، فتح القادیر، دار ابن کثیر، سوریه: دمشق، چاپ اول.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۱۹)، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: مکتبه محمد صادقی الطهرانی، چاپ اول.
- صدر، محمدباقر (۱۳۸۱)، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه جمال‌الدین موسوی اصفهانی، تهران: تفاهم، چاپ سوم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیرالمیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، دار الکتب الثقافی، اردن: اربد، چاپ اول.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، دار إحياء التراث العربی، لبنان: بیروت، چاپ اول.
- غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، تهران: آگرا، لویه، چاپ هفتم.
- قطب، سید (۱۴۲۵)، فی ظلال القرآن، دار الشروق، لبنان: بیروت، چاپ سی و پنجم.
- کچویان، حسین، کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۰)، «علوم اجتماعی قاعده‌مدار است یا قانون مدار»، دو فصلنامه علمی پژوهشی: نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال اول، شماره اول: ۱-۲۷.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، چشم‌اندازهای جهانی، محمدرضا جلائی‌پور، تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲)، بحارالانوار، تحقیق و تعلیق: سیدجواد علوی، تهران: دارالکتب اسلامی.
- محسنی تبریزی، علیرضا و صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۹۰)، «پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی)»؛ جامعه‌شناسی کاربردی، شماره سوم: ۱-۲۲.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ ۴.

- معلوف، لوئیس (۱۳۸۲)، *المنجد فی اللغة*، قم: مؤسسه انتشارات دار العلم، چاپ اول.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر کاشف، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۰)، پیام امام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۷)، *اخلاق در قرآن*، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم.
- نفیسی، شادی (۱۳۹۳)، «تفسیر اجتماعی قرآن، چالش تعریف و ویژگی‌ها»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی: پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، شماره چهارم: ۴۴-۶۴.
- نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۸۷)، *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: فرهنگ معاصر، چاپ دوم.
- وبر، ماکس (۱۳۷۱)، *مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، ترجمه احمد صدارتی، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم.